

Third-party Ownership in Football

- Behnam Noorzadeh*** | Ph.D.Student in Private Law, Kish International Campus, University of Tehran, Kish, Iran
- Fereidoon Nahreini** | Associate Professor of Private Law, Faculty of Law and Political Science, University of Tehran, Tehran, Iran
- Mohsen Izanloo** | Associate Professor, Department of Private Law, Faculty of Law and Political Science, University of Tehran, Tehran, Iran
- Hasan Badini** | Associate Professor, Department of Private Law, Faculty of Law and Political Science, University of Tehran, Tehran, Iran
- Mohammad Khabiri** | Associate Professor of Sport Management, Faculty of Physical Education and Sports Sciences, University of Tehran, Tehran, Iran

Abstract

"Third Party Ownership" is one of the restraint of Trade Law in Sport, whereby a third party acquires all or part of the player's economic rights for financing the player or injecting cash into the club. Contrary to the common perception in the field, this mechanism does not grant the decision-making power of the contract to a third party, and therefore, this will not lead to a type of interference in implementation of the contract which is in breach of Article 960 of the Civil Code and Article 18 of the FIFA Regulations on the Status and Transfer of Players. In practice, various countries adopted different approaches to the validity of this mechanism. The present study shows that by relying on economic efficiency and justice this mechanism merely entitles a third party to invest in the player's economic rights without any interference with the player's rights. FIFA regulations do not prohibit any investment by a third party, but they have banned the mechanism over the years. The mechanism could be introduced as a business model for football.

Keywords: Third-party Ownership, Restraint of Trade, Economic Rights, Liberty of Contract Principle, Football Industry.

* Corresponding Author: Bnoorzade@yahoo.com

How to Cite: Noorzadeh, B., Nahreini, F., Izanloo, M., Badini, H., & Khabiri, M. (2021). Third-party Ownership in Football. *Private Law Research*, 10(36), 149- 180. doi: 10.22054/jplr.2022.59679.2547

مالکیت شخص ثالث در ورزش فوتبال

بهنام نورزاده*

دانشجوی دکتری حقوق خصوصی، پردیس بین‌المللی کیش، کیش، ایران

فریدون نهرینی

دانشیار گروه حقوق خصوصی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران

محسن ایزانلو

دانشیار گروه حقوق خصوصی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران

حسن بادینی

دانشیار گروه حقوق خصوصی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران

محمد خبیری

دانشیار مدیریت ورزشی، دانشکده تربیت بدنی و علوم ورزشی، دانشگاه تهران، تهران

چکیده

«مالکیت شخص ثالث» از جمله محدودیت‌های معامله‌ای در ورزش است که به موجب آن، شخص ثالث در ازای تأمین مالی بازیکن یا تزییق نقدینگی به باشگاه، تمام یا بخشی از حقوق اقتصادی بازیکن را به دست می‌آورد. برخلاف تصور، این مکانیزم سبب نمی‌شود که قدرت تصمیم‌گیری در انعقاد قرارداد، در اختیار شخص ثالث قرار گیرد. در نتیجه، به‌مثابه نوعی برده‌داری و سلب حریت از بازیکن که مساوی با دخالت ثالث در اجرای قرارداد است و همچنین ناقض ماده ۹۶۰ قانون مدنی و ماده ۱۸ آیین‌نامه تعیین وضعیت و نقل و انتقالات فیفا، نخواهد بود. رویه کشورهای در خصوص صحت یا بطلان این مکانیزم یکسان نیست. این مکانیزم بر مبنای کارایی اقتصادی و عدالت، صرفاً موجب استحقاق شخص ثالث در مطالبه از محل هزینه نقل و انتقال بازیکن در آینده می‌شود بدون اینکه ثروتی به ناحق به ثالث منتقل گردد. مقررات فیفا انجام سرمایه‌گذاری توسط شخص ثالث را منع نکرده، بلکه وی را از داشتن هرگونه نفوذ در تصمیم‌گیری‌های باشگاه ممنوع نموده است. مکانیزم مذکور، این ویژگی را با خود دارد که به عنوان مدل تجاری فوتبال معرفی گردد.

کلیدواژه‌ها: مالکیت شخص ثالث، محدودیت معامله‌ای، حقوق اقتصادی، اصل آزادی قراردادی، صنعت فوتبال.

مقدمه^۱

در عصر کنونی، فوتبال به لحاظ اقتصادی تحول ماهیتی یافته،^۲ به گونه‌ای که نسبت به سایر ورزش‌ها در قرن بیستم بیشترین رشد تجاری را در زمینه سرمایه‌گذاری داشته است؛^۳ در نتیجه با توسعه تجارت و اقتصاد در فوتبال، کسب‌وکار و تجارت، دیگر محدود به بازیکنان و باشگاه‌ها نیست، بلکه «اشخاص ثالث» نیز به صورت فردی یا در قالب مؤسسه‌های اقتصادی وارد حوزه تجارت در عرصه فوتبال شده‌اند. در واقع، حقوق حرفه‌ای و شغلی ایجاد می‌کند که نهادهای ورزشی به صورت مؤسسه‌های بزرگ اقتصادی و حرفه‌ای در صحنه زندگی اجتماعی ظاهر شوند.^۴ از آنجایی که از منظر فعالان مدعی یکپارچگی تجارت فوتبال، این ورزش به مثابه یک فعالیت اقتصادی است،^۵ لذا دست‌اندرکاران و فعالان در حوزه یکی از معروف‌ترین مکانیزم‌های پرکاربرد در عرصه تجارت فوتبال یعنی «مکانیزم مالکیت شخص ثالث» به مثابه یک فعالیت اقتصادی، در مقام فعالان تجارت فوتبال تأثیر به‌سزایی بر اقتصاد فوتبال دارند. از این دسته از اشخاص - صرف نظر از اینکه آثار مثبتی بر صنعت فوتبال با خود به همراه دارند یا بالعکس - به عنوان مالکان حقوق اقتصادی بازیکنان یاد می‌گردد.^۶

۱. نگارش مقاله با توجه به تأکید مرحوم دکتر «ناصر کاتوزیان» در مقاله «خطای ورزشی و مسئولیت ورزشی» بر دورنمای حقوق ورزشی و نوپا بودن ادبیات حقوقی ما در حوزه حقوق ورزشی و در نتیجه، ضرورت پژوهش و خلق آثار در این حوزه، انجام یافته که الهام‌بخش نگارنده گردیده است.

۲. مرادی چالشری، جواد؛ مرادی، محمدرضا؛ نوروزیان قهفرخی، سهیلا؛ جعفری، اکرم «بررسی موانع اقتصادی اثرگذار بر جذب سرمایه‌گذاری خارجی در صنعت فوتبال جمهوری اسلامی ایران»، نشریه مدیریت ورزشی، شماره ۱۷، (۱۳۹۲)، ص ۱۹۲.

3. ffff pnnhhi hbbnn,, Jbbr ; Ghrr hkhnn,, ssss nn; ddd rr,, Fkkhroaa. an. "The Roe of pport aa rknng xxx nnGnnrnnng Rvynnue for Irnnaa ooobhll Cuubs.. *Annals of Applied Sport Science*, vol. 6, no. 1, (2018), p. 96.

۴. کاتوزیان، ناصر، «خطای ورزشی و مسئولیت ورزشی»، *مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران*، شماره ۴۳، (۱۳۷۸)، ص ۳۹.

5. Martins, Roberto Carlos Branco. *The introduction of the social dialogue in the European professional football sector: impact on football governance, legal certainty and industrial relations*, Thesis, (UK, University/Publisher: Edge Hill University, 2014), p. 82.

6. ,, W. Tyeæ, fff rrr hte Bnn: The nnnnnllll l andsaape of Inrrrnooonll ooccer After Third-rrr yynn ershpp', *Oregon Law Review* (University of Oregon), Vol. 94, No. 1, (2015), p. 184.

از وضعیتی که اشخاص ثالث از طریق سرمایه‌گذاری به صورت «مشارکت انتفاعی»^۱ با باشگاه یا تأمین مالی به صورت منفرد یا مشترک با غیرباشگاه نسبت به حقوق اقتصادی بازیکنان پیدا می‌کنند، تعبیر به «مالکیت شخص ثالث»^۲ شده^۳ و وضعیت آنان از این حیث که حقوق معاملی ناشی از فعالیت‌های ورزشی بازیکنان متعلق به آنان است، مشابه با باشگاه‌ها خواهد بود؛^۴ به این دلیل که بازیکنان در ازای حقوقی که دریافت می‌کنند خدمات فوتبالی خود اعم از خلاقیت، مهارت و تخصص را در خدمت باشگاه قرار می‌دهند.^۵ این مکانیزم به دلیل ارتباط تنگاتنگ و دوسویه‌ای که با حقوق مالی بازیکنان و باشگاه‌ها و نیز «فیرپلی مالی»^۶ دارد، چنانچه در قالب یک مدل تجاری سازماندهی شده مدیریت نشود، آثار مخربی مانند نقض مقررات مالی در حوزه نقل و انتقال بازیکنان از خود برجای خواهد گذاشت. در این پژوهش، ضمن تجزیه و تحلیل این مکانیزم، نقاط ضعف و قوت آن ذکر و تأثیر آن بر حقوق مالی بازیکنان و باشگاه‌ها و حتی خود اشخاص ثالث و نیز مقررات مربوط به فیرپلی مالی بیان می‌گردد و در نهایت، دورنمای این پدیده با ارائه یک مدل تجاری در حوزه فوتبال نشان داده خواهد شد.

۱. تحلیل مالکیت شخص ثالث

در دنیای کنونی، فوتبال حرفه‌ای به مثابه تجارت و کسب و کار انگاشته می‌شود و از این ره‌گذر، باشگاه‌ها نیز در فهرست شرکت‌های تجاری قرار می‌گیرند. سهام‌داران این شرکت‌ها نیز به سبب تأمین مالی‌ای که برای شرکت‌ها می‌نمایند، برای صاحبان شرکت‌ها خیلی حیاتی تلقی می‌شوند. همین امر باعث شده که باشگاه‌ها دستخوش تغییراتی چند به‌ویژه از حیث ساختار مالی گردند که سرمایه‌گذاری شرکت‌های خصوصی در این دسته از باشگاه‌ها یکی

1. Joint Venture

2. Third party ownership (TPO)

3. De Sousa Martins, Daniel. *Hedonic Pricing in Professional Football: Is players' transfer value explained by sporting performance?*, Thesis, (Universidade do Porto, 2015), p. 4.

4. Lombard, Ros; ooon, Mnnfrdd; ppp po, bbboq TThrrd rrr yynnn rrshppnnhle Field of Professionll oor bb::: : Crllllll ll spccvvv", *Business Systems Review*, Vol. 3, (2014), p. 33.

۵. نورزاده، بهنام، بررسی تعهدات طرفین در قراردادهای بازیکنان فوتبال با باشگاه‌ها، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق

خصوصی، (تهران، دانشگاه تهران: دانشکده حقوق و علوم سیاسی، ۱۳۹۱)، ص ۲۰.

6. Financial Fair Play

از نمونه‌های بارز این تغییرات به‌شمار می‌آید. در حال حاضر، این سرمایه‌گذاری از باشگاه‌ها فراتر رفته و به سمت استخدام بازیکنان با استعداد و سرمایه‌گذاری بر روی آنان سوق یافته است. در نتیجه این رخداد و حضور اشخاص ثالث در صحنه، شکل جدیدی برای مدیریت بازیکنان فوتبال و تأمین مالی آنان ایجاد شده است که از آن به مالکیت شخص ثالث تعبیر شده و ریشه آن به کشورهای آمریکای جنوبی باز می‌گردد.^۱

ویژگی بارزی که مالکیت شخص ثالث با خود به همراه دارد، حضور «شخص یا اشخاص ثالث» است که در نقش سرمایه‌گذار یا تأمین‌کننده مالی یا وام‌دهنده عمل کرده و از رهگذر آن، به‌عنوان حصة‌ای از حقوق مربوط به فعالیت ورزشی بازیکن، درآمدزایی می‌کنند. البته تحصیل نفع حاصل از این حصة که از آن تعبیر به (stake) و به شخص ثالث تحت شرایطی پرداخت می‌شود،^۲ منوط به تحقق انتقال بازیکن به یک باشگاه است. باید توجه داشت که حق شخص ثالث بر تحصیل این نفع از منظر حقوقی، داخل در حقوق اقتصادی است که در حق شخص ثالث ایجاد شده است که در قبال پرداخت عوض، مُحق در دریافت سودی مشخص از محل هزینه پرداختی باشگاه به بازیکن در آینده می‌شود و از این منظر، مالکیت شخص ثالث به مانند یک مکانیزم سرمایه‌گذاری و تأمین مالی عمل کرده که در صورت رعایت تمامی شرایط و ضوابط آن، سودهی مناسبی را به همراه خواهد داشت.

«کیا جورابچیان» تاجر ایرانی و از جمله سرمایه‌گذاران حوزه فوتبال است که در سال ۲۰۰۴ میلادی زمانی که سهام‌دار باشگاه «کورینتیانس»^۳ برزیل بود طی مذاکره با دو باشگاه ریورپلاته و بوکاجونیورز موفق به تحصیل حقوق اقتصادی و حق نقل و انتقال دو بازیکن آرژانتینی معروف دنیای فوتبال یعنی «کارلوس توز»^۴ و «خاویر ماسکرانو»^۵ گردید.^۶ این امر سبب شد تا وی از باب مالکیت شخص ثالث تأثیر به‌سزایی در نقل و انتقال این بازیکنان داشته باشد. از این رهگذر، مالکیت شخص ثالث سبب افزایش ارزش اقتصادی مربوط به حقوق

1. Ibid, p. 34

2. Black, Henry Campbell M. A., *Black's Law Dictionary*, (U.S.A, West publishing Co., 1968), p. 1575.

3. Corinthians

4. Carlos Tevez

5. Javier Mascherano

6. mmmmm, ssss ,, Thrrd prryy onn rrshpp of fooblll paayrrs' economcc rggghss nrroduooon of hle globll bnn ggnnt hlrrd prryy onn ershpps from 1 aa y 2015,, *Global Sports Law and Taxation Reports*, No 3, (2016), p.22.

ناظر بر فعالیت‌های ورزشی بازیکنان حرفه‌ای می‌شود و استدلال مبنی بر صنعت تلقی شدن ورزش فوتبال را بیش‌ازپیش تقویت می‌کند و پیوند آن را با سرمایه‌گذاری و حقوق اقتصادی به‌عنوان یک صنعت دوچندان می‌سازد؛ بنابراین می‌توان گفت که مالکیت شخص ثالث، فرایندی است که طی آن، شخص ثالثی (که غالباً به‌صورت صندوق‌های تأمین مالی و سرمایه‌گذاری^۱ هستند) در ازای تأمین مالی بازیکن، تمام یا بخشی از ارزش (حقوق اقتصادی) انتقال این بازیکن (در آینده) را به دست می‌آورد.^۲

۲. مالکیت شخص ثالث و راه‌حل برون‌رفت از تعارض آن با اصل آزادی

قراردادی

اشخاص آزاد و مختار هستند در راستای رفع احتیاجات و نیل به اهداف گوناگون خویش قرارداد منعقد کنند. از این آزادی به «آزادی قراردادی» تعبیر می‌شود که به‌عنوان بخشی از اصل حاکمیت اراده از مباحث بنیادی در حوزه حقوق قراردادها محسوب می‌گردد. بر این اساس، اصولاً اشخاص می‌توانند نه‌تنها قرارداد را تحت هر عنوان که بخواهند، بدون تشریفات خاص منعقد نمایند، بلکه اختیار تعیین نتایج و آثار آن قرارداد را نیز دارند.

در روابط قراردادی اصل بر «آزادی قراردادی» است، همچنانکه در نظام حقوقی ایران، اصل مذکور در ماده ۱۰ قانون مدنی به‌روشنی آمده است. مطابق این ماده: «قراردادهای خصوصی نسبت به کسانی که آن را منعقد نموده‌اند، در صورتی که خلاف صریح قانون نباشد، نافذ است.» البته همان‌طور که گفته شده است: «تمرکز ماده ۱۰ بر آزادی شکلی قراردادی است و در آن توجهی به مفهوم ماهوی آزادی قراردادی نشده است.»^۳ با این حال اصل آزادی قراردادی اگرچه از نتایج اصل حاکمیت اراده محسوب می‌شود، لیکن برخاسته از مصالحی است که قانون‌گذار لازم می‌دانسته و هر زمان آن را مخالف مصالح عمومی بداند

۱. از جمله این صندوق‌ها می‌توان به صندوق «سرمایه‌گذاری قهرمانان جهانی فوتبال» اشاره کرد که غالباً از مناطق مختلف جهان، بازیکنان با استعداد را عضو خود نموده و از طریق انتقال آنها به باشگاهها کسب درآمد می‌نمایند. در واقع آنچه که به این صندوق تعلق می‌گیرد، ارزش ناشی از حق انتقال بازیکن (به یک باشگاه) است نه خود بازیکن.

2. Williams, Burgess, "The Fate of Third Party Ownership of Professional Footballers' Rights: Is a Complete Prohibition Necessary", *Texas Review of Entertainment & Sports Law*, Vol. 10, (2008), p.79.

۳. حاجی‌پور، مرتضی، «تأثیر حقوق بنیادین بشری بر آزادی قراردادی»، فصلنامه پژوهش حقوق خصوصی، سال ششم، شماره بیستم، (۱۳۹۶)، ص ۵۵.

می تواند محدود سازد؛ به عنوان مثال، قانون می تواند شروط آمیخته به حيله یا شروط گزاف را نافذ نداند و از این طریق «اصل آزادی قراردادی» را محدود نماید.^۱ اصل آزادی قراردادی جلوه‌ای از حق آزادی است که وجودش در حقوق قراردادها با «اصل حاکمیت اراده» توجیه می شود که یکی از حقوق مدنی انسان است. طبق این حق، شخص آزادی کامل دارد که نحوه رفتار خویش را در حیات اجتماعی برگزیند؛ بنابراین می تواند با اراده آزاد خویش در قالب قرارداد، تعهدی را قبول کند یا ملتزم به انجام یا ترک فعلی گردد. در این مسیر به تصریح غالب حقوق دانان، اراده انشائی شخص، منشأ اثر و رکن سازنده ماهیت حقوقی است. آزادی اراده و امکان شرکت در اعمال حقوقی، پرتوی از حق آزادی انسان، به عنوان یکی از حقوق مدنی او است، اما سایر شرایط مربوط به تحقق ماهیت حقوقی انشاشده و دامنه نفوذ اراده در برخورد با مصالح و منافع اجتماعی و همچنین آثار ناشی از ماهیت حقوقی را قانون تعیین می کند؛ بدیهی است که آثار و لوازم مرتبط با ماهیت حقوقی انشاشده، به ویژه تکالیفی که شخص به موجب قانون ملتزم به آن است، از شمول این بحث خارج است.^۲

انسان به عنوان موجودی که صاحب اراده و اختیار است علی الاصول حق دارد که اعمال حقوقی را انشا یا اینکه از انشای آنها سرباز زند. سیر طبیعی امور جامعه به ویژه امور اقتصادی، ایجاب می کند که اشخاص بتوانند از مجرای آزادی قراردادی، روابط مالی و اقتصادی خود را تنظیم نمایند؛ پس شایسته است که گفته شود: «در انعقاد قرارداد، اراده فردی نقش مؤثری را ایفا می کند: فرد در انعقاد یا عدم انعقاد قرارداد آزاد است و نمی توان او را مجبور به عقد قرارداد کرد.»^۳ این بیان به نحو رسایی مفهوم اصل آزادی قراردادی را می رساند و دو جنبه اصل آزادی قراردادی را به نحو «سلبی» و «ایجابی» نمایان می سازد^۴ و نشان می دهد که آزادی

۱. کاتوزیان، ناصر، «محدودیت های آزادی قراردادی بر مبنای حمایت از مصرف کننده»، فصلنامه حقوق: مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۳۸، شماره ۳، (۱۳۸۷)، ص ۳۲۸.

۲. ایمانیان، فریبرز؛ شمس، عبدالله؛ عیسی تفرشی، محمد، «تفسیر حقوق مدنی در قانون مدنی»، مدرس علوم انسانی- پژوهش های حقوق تطبیقی، شماره ۲۸، (۱۳۸۲)، ص ۲۰.

۳. صفایی، سیدحسین، حقوق مدنی: قواعد عمومی قراردادها، ج ۲، (تهران: نشر میزان، ۱۳۸۶)، ص ۴۷.

۴. با توجه به اینکه از جمله موارد مربوط به حقوق اساسی، روابط قراردادی است؛ لذا حکم محدود کردن اصل آزادی قراردادها توسط حقوق اساسی جواز است، ولی حکم محدود کردن حقوق اساسی به استناد اصل آزادی قراردادها عدم جواز است. حقوق اساسی (حقوق بنیادین) حقوقی هستند که وجود آنها مایه قوام و نبود آنها موجب زوال شخصیت

گزينش طرف قرارداد در اين اصل موضوعيت دارد. البته آزادي قراردادي صرفاً محدود به مرحله انعقاد يا عدم انعقاد قرارداد نمي‌شود، بلکه همان‌طور که اشخاص در تشکيل يا عدم تشکيل قرارداد آزادي دارند در تعيين محتوای قرارداد نیز آزادي داشته و اصولاً می‌توانند به ميل خود هر آنچه را که می‌خواهند در داخل قرارداد يا حتی بعد از تشکيل قرارداد نیز از طريق الحاق به قرارداد، بگنجانند؛ لذا علی‌الاصول اشخاص در انعقاد يا عدم انعقاد قرارداد از آزادي کامل برخوردارند. افرادی که به تشریح اين اصل پرداخته‌اند، معتقد هستند که تجارت باید مبتنی بر آزادي کامل باشد،^۱ اگرچه برای اين آزادي، محدوديت‌هایی نیز قائل هستند. فوتبال نیز از اين اصل مستثنی نیست و در عين حال که ورزش است، به نوعی با تجارت نیز ارتباط دارد تا جایی که به دليل مبادله بازیکنان در سراسر فوتبال جهان، تجارت بین‌المللی نیز تلقی می‌شود.^۲ از اين رو، آزادي اراده باید در آن به صورت محوری مورد توجه قرار گیرد. در مرحله انشای اراده جهت انعقاد قرارداد توسط بازیکن با باشگاه هرگونه مانع ناعادلانه باید مرتفع گردد؛ ولی سؤال اين است که وجود ثالث در مرحله انشای قرارداد بين بازیکن و باشگاه، مانع ناعادلانه به شمار می‌آید يا خير؟ در صورتی که پاسخ مثبت باشد به سبب پذیرش اصل آزادي قراردادي در حوزه انعقاد قرارداد بازیکن با باشگاه، نظر به اینکه وجود ثالث به عنوان یک مانع ناعادلانه شناخته شده؛ لذا جایگاه حقوقی در انشای قرارداد بازیکن با باشگاه نخواهد داشت و در نتیجه، به سبب عدم وجود اين جایگاه حقوقی برای شخص ثالث، حق طرح دعوی برای وی نیز وجود نخواهد داشت، لیکن اگر پاسخ منفي بوده و وجود ثالث در مرحله انشای قرارداد بين بازیکن و باشگاه، مانع ناعادلانه به شمار نیاید در اين صورت، مسئله مالکیت شخص ثالث و اصل آزادي قراردادي در مرحله انشای قرارداد نیازمند به یک راه‌حل برون‌رفت از تعارض بين اين دو است به نحوی که در عين عينیت بخشی به اصل حاکمیت اراده، وجود ثالث در مرحله انشای قرارداد نیز جایگاه حقوقی اش تثبیت و تضمین گردد. در اين خصوص ممکن است ابتدا چنین به نظر آید که مالکیت شخص ثالث باعث

انسان می‌شود. اسدی، عباس؛ پارساپور، محمدباقر؛ بادینی، حسن، «تأثیر حقوق بنیادین بشری بر آزادي قراردادي»، فصلنامه پژوهش حقوق خصوصی، سال ششم، شماره بیست و سوم، (۱۳۹۷)، صص ۱۰ و ۱۸.

۱. صفایی، پیشین، ص ۴۵.

2. Harald, Dolles; Sten, Söderman, "Globalization of Sports: The Case of Professional Football and its International Management Challenge", *Deutsches Institut für Japanstudien*, (2005), pp.5-7.

می شود قدرت تصمیم گیری در انعقاد قرارداد بازیکن با یک باشگاه، در اختیار شخص ثالث باشد و به مثابه نوعی برده داری باشد که مساوی با دخالت شخص ثالث در انعقاد قرارداد و بنابراین ناقض ماده ۱۸ آیین نامه نقل و انتقالات فیفا^۱ خواهد بود، اما بطلان این نظر واضح است؛ چرا که مالکیت شخص ثالث نسبت به تمام یا بخشی از حقوق اقتصادی، موجب خواهد شد تا شخص ثالث صرفاً استحقاق مطالبه حقوق اقتصادی ناشی از نقل و انتقال بازیکن در آینده را داشته باشد.^۲ در واقع مقررات فیفا (ماده ۱۸) انجام سرمایه گذاری هایی شخص ثالث را منع نکرده است، بلکه آنان را از داشتن هرگونه نفوذ در تصمیمات اجرایی و خط مشی باشگاه ممنوع کرده است. برای مثال اشخاص ثالث سرمایه گذار، حق ندارند استقلال باشگاه ها را مخدوش نموده و باشگاه را ملزم نمایند که بازیکنی را در مسابقه ای خاص مورد استفاده قرار ندهد.^۳ به علاوه به دلیل ارتباط زیاد این پدیده با اقتصاد، نوعی نگرش اقتصادی در این پدیده حقوقی مفروض است که از نگرش اقتصادی مذکور می توان برای از بین بردن جزم اندیشی در استدلال حقوقی^۴ از وضعیت این پدیده استفاده کرد. مالکیت شخص ثالث بر مبنای کارایی اقتصادی و عدالت، صرفاً موجب استحقاق مطالبه از محل هزینه نقل و انتقال بازیکن در آینده می شود، بدون اینکه ثروت نا عادلانه ای به ناحق به ثالث منتقل گردد؛ به ویژه اینکه از دیدگاه حق افراد برداشتن دارایی از دیدگاه حقوق خصوصی، افراد جامعه حق فعالیت و کسب و کار هم دارند و آزادند که شغل داشته و کسب درآمد کنند و نتیجه فعالیتشان هم به خود آنها برسد)^۵ از این رو، مقررات فیفا نیز انجام سرمایه گذاری های شخص ثالث را منع نکرده است. در تحلیل فنی تر می توان گفت که این مصوبه فیفا (ماده ۱۸) در

۱. این ماده مقرر می دارد: هیچ باشگاهی حق ندارد اقدام به انعقاد قراردادی نماید که سبب شود هر یک از طرفین قرارداد یا شخص ثالثی توانایی نفوذ و تأثیر در قرارداد استخدام و موضوعات مرتبط با نقل و انتقالات از حیث استقلال، خطی مشی باشگاه یا عملکرد تیم ها را به دست آورد.

2. Purdon, Jane. "Third Party Investment", *Sports Law Bulletin*, number 10 (Special Report on Third Party Ownership of EP), (2012), p.38.

3. Pérez, Juan de Dios Crespo,; Whyte, Adam, "A review of third party ownership – Whre do ee go from hrr??, ... orss LwwBunnnnnnumbrr 10 (ppcclll Rpport on Third Party Ownership) of EPFL, (2012), p.46 &47.

۴. بادینی، حسن، «مبانی فلسفی نگرش اقتصادی به حقوق»، *مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی*، شماره ۶۲، (۱۳۸۲)، ص ۱۱۶.

۵. پیلوار، رحیم، «مبانی فلسفی حق افراد بر داشتن حداقل دارایی از دیدگاه حقوق خصوصی (همراه با مطالعه تطبیقی)»، *فصلنامه پژوهش حقوق خصوصی*، سال ششم، شماره بیست و یکم (۱۳۹۶)، ص ۷۶.

راستای ممنوعیت اعمال «مالکیت شخص ثالث» در مرحله «اجرای قرارداد» است نه مرحله انعقاد قرارداد و آنهایی که معتقدند این مکانیزم به طور مطلق باید کنار گذاشته شود، از این نکته ظریف غافل هستند. حقوق اقتصادی مربوط به فعالیت ورزشی بازیکن حقوقی است مشروع و قانونی که متعلق به شخص ثالث است و در حقوق کنونی نیز هیچ کس در مشروعیت این حق تردیدی ندارد.

۳. انعکاس نظریه محدودیت معامله‌ای در مالکیت شخص ثالث

توسعه چشمگیر تجارت در ورزش به ویژه فوتبال سبب شده است نظریه (دکترین) معروفی از حقوق کامن لو تحت عنوان نظریه «محدودیت‌های معامله‌ای»^۱ در این حوزه وارد گردد. نظریه محدودیت معامله از حیث روند تاریخی به دو بخش تقسیم می‌شود که شروع آن از نظام حقوقی کامن لو بوده و سپس در حوزه ورزش توسط حقوق دانان ورزشی پرورانه شده است؛ به طوری که می‌توان گفت طرح «دکترین محدودیت قراردادی در ورزش» در عرصه حقوق ورزشی و حقوق به عنوان دانشی که در حال حاضر باید اندیشه انحصارطلبی حقوق دانان در آن به فراموشی سپرده شود^۲ موضوعیت دارد؛ البته در نظام حقوقی ایران، مقوله «محدودیت در معاملات با رقیب»^۳ در «قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل چهارم و چهارم (۴۴) قانون اساسی مصوب ۱۳۸۶» با آخرین اصلاحات تا تاریخ ۱۳۹۷^۴ مطرح

1. Restraint of Trade

۲. ضرورت فراموشی اندیشه انحصارطلبی حقوق دانان در کشور ما در راستای رفع کاستی‌های نظام حقوقی ایران و اصلاح آن، توسط یکی از حقوق دانان ایرانی برای اولین بار مطرح شده است و قبل از ایشان طرح چنین اندیشه‌ای سابقه نداشته است. در این خصوص ر.ک به: بادینی، حسن، «آیا حقوق دانش مستقلی است؟»، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، شماره ۷۴، (۱۳۸۵)، ص ۳۸ و ۳۹.

۳. شایان ذکر است که محدودیت مدنظر ما در معاملات در حوزه ورزش فوتبال منصرف از معاملات رقیب است و اغلب محدودیت‌های ناظر بر طرفین قرارداد است. همچنانکه ماده ۴۴ قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل چهارم و چهارم (۴۴) قانون اساسی محدودیت در معامله را تحت شرایطی پذیرفته است. از جمله در بند ۴ این ماده، ملزم کردن طرف معامله به عقد قرارداد با اشخاص ثالث یا تحمیل کردن شروط قرارداد به آن‌ها پذیرفته شده است.

۴. براساس «قانون اصلاح قانون اصلاح موادی از قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران و اجراء سیاست‌های کلی اصل چهارم و چهارم (۴۴) قانون اساسی» مصوب یازدهم اسفندماه یک‌هزار و سیصد و هشتاد و نه مجلس شورای اسلامی، عنوان «قانون اصلاح موادی از قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی

گردیده که ذیل فصل نهم تحت عنوان «تسهیل رقابت و منع انحصار» در ماده ۴۵ این قانون مقرر شده است: «اعمال ذیل که منجر به اخلال در رقابت می شود، ممنوع است:

الف) احتکار و استنکاف از معامله

۱- استنکاف فردی یا جمعی از انجام معامله و یا محدود کردن مقدار کالا یا خدمت موضوع معامله.

۲- وادار کردن اشخاص دیگر به استنکاف از معامله و یا محدود کردن معاملات آنها با رقیب...». ضمن اینکه در ماده ۴ این قانون، قلمرو فعالیت‌های اقتصادی بخش غیردولتی به صورتی تعیین شده که «مالکیت» نیز در آن تصریح شده است. طبق این ماده: «قلمرو فعالیت‌های اقتصادی بخش غیردولتی به شرح زیر تعیین می شود:

الف) سرمایه‌گذاری، مالکیت و مدیریت در فعالیت‌های گروه یک ماده (۲) این قانون منحصراً در اختیار بخش غیردولتی است.

تبصره- ورود دولت در این فعالیت‌ها با رعایت تبصره‌های (۲) و (۳) بند الف) ماده (۳) این قانون مجاز است.

ب) سرمایه‌گذاری، مالکیت و مدیریت در فعالیت‌های گروه دو ماده (۲) این قانون برای بخش‌های خصوصی، تعاونی و مؤسسات عمومی غیردولتی مجاز است.

ج) فعالیت بخش‌های خصوصی و تعاونی و عمومی غیردولتی در موارد مشمول گروه سه ماده (۲) این قانون با رعایت تبصره (۱) بند «ج» ماده (۳) این قانون مجاز است.»

شایان ذکر است که تا جایی که از مطالعه دکتترین مذکور در فوق به دست می آید و در حقوق کامن لا نیز بر آن تأکید شده، اختصاص این دکتترین به حقوق قراردادها بوده که در آن هدف غالباً حمایت از حقوق شخصی است که حقوق قراردادی اش محدود می شود.^۱ به علاوه این دکتترین بر این عقیده شکل گرفته است که منافع مشروع اشخاص را از طریق

و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران و اجرای سیاست‌های کلی اصل چهل و چهارم (۴۴) قانون اساسی» به قانون «اجرای سیاست‌های کلی اصل چهل و چهارم (۴۴) قانون اساسی» تغییر یافته است.

1. Rochow, Neville , "Toward a Modern Reasoned Approach to the Doctrine of Restraint of Trade", *The Western Australian Jurist*, Vol. 5, (2014), p. 27.

محدودسازی حقوق موضوع قرارداد یا شرط حاوی محدودیت حقوق معامله‌ای مورد حمایت قرار دهد و به تحدید حقوق معامله‌ای جنبه قانونی و مشروع ببخشد.^۱ در حقوق کامن‌لا، ابتدا این اندیشه مطرح بوده است که قراردادهایی که به موجب آن، شخص ملزم به عدم انجام تجارت خاص یا کسب و پیشه (حرفه) شود، باطل و فاقد اثر حقوقی است، صرف نظر از اینکه این محدودیت (مبنی بر عدم انجام)، به صورت عام (کلی) یا خاص (جزئی) باشد؛ علت این امر هم اینگونه ذکر شده است که چنین قراردادی خلاف نظم عمومی خواهد بود.^۲ ذکر اصطلاح نظم عمومی نمایانگر بحث منافع عمومی مستتر در تجارت و کسب و پیشه افراد است و به همین دلیل هم با در نظر گرفتن مفهوم مضیق نظم عمومی، نظام حقوقی کامن‌لا از ابتدا به بطلان محدودیت تجارت و کسب و پیشه افراد، گرایش پیدا نموده است.^۳ در حقیقت می‌توان گفت که حقوق کامن‌لا بر مبنای آزادی فردی، قائل به عدم وجود انحصار برای اشخاص در تجارت و حرفه‌شان بوده است و قراردادی را که حاوی چنین انحصاری باشد، باطل تلقی نموده است.^۴ این نظام حقوقی به صورت گسترده قائل به آزادی تجارت و حرفه است علی‌رغم اینکه در تاریخ این نظام و بالاخص حقوق انگلیس، محدودیت در کسب و پیشه و تجارت به‌عنوان یک از اقسام انحصار^۵ در تجارت، ذکر شده

۱. تاریخچه اصل یا قاعده «صحت» در حقوق اسلام نیز نشان می‌دهد که کاری را که از کسی سر می‌زند، باید درست دانست مگر اینکه خلاف آن ثابت شود. محمدی، ابوالحسن، *مبانی استنباط حقوق اسلامی: اصول فقه*، (تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۹۱)، ص ۳۴۳.

2. Pfarrer, Charles P., "Contracts in Restraint of Trade", 4 *Notre Dame L. Rev.* 244, (1929), p. 245.

۳. در حقوق ایران نیز ماده ۶ قانون آیین دادرسی مدنی به صراحت قراردادهای مخالف نظم عمومی را فاقد اثر حقوقی می‌داند. در این ماده مقرر شده است: «عقود و قراردادهایی که مخل نظم عمومی یا برخلاف اخلاق حسنه که مغایر با موازین شرع باشد در دادگاه قابل ترتیب اثر نیست.» بدیهی است که قراردادی که در دادگاه قابل ترتیب اثر نباشد مفهومی جز بطلان و البته در مواردی عدم نفوذ نمی‌تواند داشته باشد.

۴. در واقع از نقطه نظر قواعد قانونی حقوق رقابت، قانون‌گذار باید به دلیل حفظ نظم عمومی اقتصادی اولاً از شکل‌گیری توافقاتی که منجر به ایجاد قدرت انحصاری در بازار می‌شوند و برای مشروعیت آن به آزادی قراردادی استناد می‌نمایند، جلوگیری نماید. ثانیاً در صورت وجود انحصار مانع سوءاستفاده انحصارگر از شرایط و تحمیل شروط به طرف مقابل در سایه آزادی قراردادی گردد؛ لذا گریزی از پیش‌بینی محدودیت بر اصل آزادی قراردادی ندارد. علمی یزدی، حمیدرضا؛ شاه بابای، حمیدرضا، «محدودیت در آزادی‌های قراردادی به منظور مقابله با انحصار: مطالعه موردی حقوق ایران»، *دانشنامه حقوق اقتصادی*، دوره ۲۶، شماره ۱۵، (۱۳۹۸)، ص ۸۳.

5. Monopoly

است^۱ تا بدین گونه از ستایش افراطی آزادی تجارت، خودداری شود و آزادی در کسب و کار تعدیل گردد و نامحدود نباشد. دکترین محدودیت معامله‌ای در ابتدای شکل‌گیری‌اش ناظر به محدودیت‌های با ظرف زمانی یا ظرف مکانی نامحدود نبوده است و اگر هم چنین بود، بی‌تردید به دلیل مخالفت با نظم عمومی باطل اعلام می‌گشت و لذا از همان ابتدا نظام حقوقی کامن‌لا، قضاوت و حقوق‌دانان در صدد این بوده‌اند که مسائل و مشکلات ایجادشده (از جمله، مانع نظم عمومی) در راه آزادی تجارت و معاملات را بگونه‌ای حل نمایند؛ در این راستا، آزادی تجارت، معامله و شغل، نیز تأکید بر آزادی رقابت و نیز تأمین و حفظ حقوق ناظر بر اموال و مالکیت دارد.^۲

محدودیت معامله که از آن در حقوق ایران به «شرط محدودیت کسب و کار»^۳ و «قرارداد عدم تجارت»^۴ تعبیر شده، قراردادی است که هدف از آن، فرو نشاندن رقابت، ایجاد حق انحصار و ایجاد مانع بر سر راه تجارت از طریق کنترل نیروهای اقتصادی و طبیعی (بازار) است که فرد را در به‌کارگیری کسب و پیشه و نیز استعدادهای خود در ظرف زمانی یا مکانی خاصی محدود می‌نماید.^۵

حد اعلامی رسوخ نظریه فوق در حوزه فوتبال را می‌توان در دعوای بین چند باشگاه ولزی علیه اتحادیه فوتبال ولز^۶ مشاهده کرد که در این دعوا استناد این باشگاه‌ها در دادگاه به بطلان تصمیم فدراسیون ولز مبنی بر سلب حق حضور چند باشگاه در کشور انگلیس به‌عنوان عضوی از لیگ انگلیس بر مبنای «محدودیت نامتعارف حقوق معامله‌ای» بود؛ این در حالی است که سه باشگاه از این باشگاه‌ها مدت‌های طولانی در لیگ انگلیس بازی می‌کردند و حقوق زیادی (از جمله حق پخش تلویزیونی) در این خصوص کسب کرده بودند. نظریه مذکور همان‌طور که در دعوای «پاترافینا»^۷ نیز تداکید شده، حاکی از این است که اشخاص

1. Letwin, William L., "The English Common Law concerning Monopolies", *University of Chicago Law Review*, Vol. 21, (1954), p. 356

2. Minda, Gary, "The Common Law, Labor and Antitrust", 11 *Berkeley J. Emp. & Lab. L.* 461, (1989), p. 462.

۳. بادینی، حسن، «شرط محدودیت کسب و کار در قرارداد کار»، *پژوهشنامه حقوق اسلامی*، شماره ۱، (۱۳۹۴)، ص ۷.

۴. شهیدی، مهدی؛ باریکلو، علیرضا، «قرارداد عدم تجارت»، *نشریه نامه مفید*، شماره ۲۹، (۱۳۸۱)، ص ۵.

5. Black, Op.Cit, p.1478.

6. Case of Newport Association Football Club Ltd and others v Football Association of Wales Ltd (High Court of Justice, Chancery Division, United Kingdom, 12.4.95)

7. Petrofina (Great Britain) Ltd v Martin [1996].

در اعمال حقوق معاملاتی خود، حق انتخاب و آزادی را دارند، لیکن این امر بر دو پیش فرض استوار است: نخست؛ محدودیت حقوق معامله‌ای «علی‌الاصول» موجب بطلان قرارداد یا شروط حاوی این محدودیت می‌باشد.^۱ دوم؛ همان‌طور که در دعوی «هاربرت»^۲ نیز تأکید گردیده است، اگر محدودیت در حقوق معاملاتی اشخاص، «متعارف» باشد، دارای اثر حقوقی است و سبب تضییق حقوق معامله‌ای می‌گردد. البته در حقوق کامن‌لو، دادگاه‌ها برای تعیین متعارف بودن محدودیت معامله‌ای، از ضابطه «ناردنفلت»^۳ با در نظر گرفتن این نکته که محدودیت متعارف سبب رعایت حقوق خصوصی طرفین و نیز منفعت عمومی می‌شود، استفاده می‌کنند.^۴

نظر به اینکه ورزش به‌عنوان یک حرفه و شغل و منبع درآمد اصلی برای ورزشکاران محسوب می‌شود، آنان کمتر تمایل به پذیرش این دسته از محدودیت‌های معامله‌ای را دارند و ناگزیر مجبور به طرح دعوی حقوقی می‌شوند که در این بین می‌توان به دعوی تاریخی «بوسمن»^۵ و ارتباط دادن آن با حقوق رقابت در دادگاه عدالت اروپایی در خصوص «رزرو کلوز»^۶ اشاره کرد. در واقع این نظریه، ذاتاً محدودکننده نقل و انتقال بازیکنان از یک باشگاه به باشگاه دیگر هست که می‌تواند توسط باشگاه یا حتی شخص ثالث اعمال گردد. در قراردادهای ورزشی بندی به نام «رزرو کلوز» گنجانده می‌شود که به موجب آن، باشگاه حق

1. Lucey, Mary Catherine, *The interface between competition law and the restraint of trade doctrine for professionals: understanding the evolution of problems and proposing solutions for courts in England and Wales*, thesis, (The London School of Economics and Political Science (LSE), (2012), pp.19&20.

2. *Herbert Morris Ltd v Saxelby* [1916]

3. Nordenfelt Test

4. Johnson, James, "Restraint of Trade Law in Sport", *Sports Law Journal*, Bond University, Australia, (2009), p. 2.

5. *Union Royale Belge des Sociétés de Football Association ASBL v Jean-Marc Bosman* (1995) C-415/93

در این پرونده، در سال ۱۹۹۰ میلادی انتقال بوسمن به باشگاه دونکرک فرانسه با مانع مواجه شده بود، به این صورت که، بعد از پایان مدت قرارداد وی، با تلقی نشدن به‌عنوان بازیکن آزاد، می‌بایست مبلغ درخواستی باشگاه بلژیکی، جهت رضایت به انتقال به باشگاه فرانسوی، پرداخت می‌شد. این در حالی است که بوسمن با انقضای مدت قراردادش، بازیکن آزاد محسوب می‌شد. یکی از سئوالات مهمی که در این پرونده مطرح بود عبارتست از اینکه آیا بعد از انقضای قرارداد، باشگاه می‌تواند از بازیکن مبلغی را از بابت هزینه نقل و انتقال به باشگاه جدید، دریافت نماید؟ در این پرونده در نهایت حکم به نفع بوسمن صادر شد که از آن پس، در حوزه نقل و انتقال بازیکنان فوتبال به قانون بوسمن شهرت یافته است.

6. Reserve Clause

ویژه و انحصاری پیدا می‌کند تا بعد از انقضای مدت قرارداد فعلی بازیکنش، مجدداً با وی قرارداد منعقد نماید. بدین ترتیب، نوعی محدودیت آزادی برای بازیکن ایجاد می‌شود که البته آن را بر مبنای (نظریه) محدودیت معامله‌ای به‌ویژه در حوزه ورزش، به دلیل ایجاد محدودیت واقعی به صورت غیرمتعارف و خارج از حد اعتدال برای بازیکن و اینکه وی را از انتخاب باشگاه‌های دیگر منع می‌کند، باطل می‌دانند. همچنان که دادگاه در دعوی استم^۱ با استدلال بر مبنای «محدودیت غیرمعقول»، اجازه انعقاد قرارداد با باشگاه دیگری را به این بازیکن داده است،^۲ اگرچه در حال حاضر این نظر با چالش جدی روبه‌روست. از همین رو، درج «رزرو کلوز» در قراردادهای ورزشی با توجه به اینکه سبب محدودیت آزادی برای بازیکن با توجه به ایجاد تعهد نامعلوم و مجهول برای بازیکن و فقدان تعهد متقابلی که اقتضای انصاف و عدالت نسبت به بازیکن را داشته باشد می‌شود، بی‌اعتبار و فاقد اثر حقوقی است؛ همان‌طور که در دعوی «وارد»^۳ قضات دادگاه به این نتیجه رسیده‌اند. به عبارت دقیق‌تر، می‌توان گفت که چنین تعهدی، غرری بوده^۴ و همراه با جهل و خطر است که در نتیجه به صحت تعهد خلل می‌رساند و آن را با ضمانت اجرای بطلان مواجه می‌نماید.

در فرضی هم که شخص ثالث در راستای اعمال حق ناشی از مالکیت شخص ثالث پا به عرصه مذاکرات بازیکن جهت نقل و انتقال به باشگاه دیگر می‌گذارد، ممکن است گفته شود

1. Eastham v Newcastle United Football Club

2. Johnson, Op.Cit, pp. 4 & 6.

3. Metropolitan Exhibition Co. v. Ward, 9 N.Y.S. 779, N.Y. Supreme Court (1890)

در این دعوا باشگاه استدلال کرد که تعهدات قراردادی آقای وارد مانع از پیوستن وی به تیم دیگری است، اما آقای وارد اظهار داشت که این بند توجیه‌ناپذیر (غیرمنطقی) و غیرقابل اجرا است. دادگاه در رد ادعای باشگاه و پذیرش دعوی آقای وارد عدم وجود تعهد متقابل بین دو طرف قرارداد و اینکه بازیکن به طور نامحدود و مجهول تعهدات قراردادی برایش ایجاد می‌شود را مستمسک قرار داد و در واقع Reserve Clause را فاقد اثر حقوقی دانست.

Kim, John, "An Examination of the KBO Reserve Clause and its Legal Implications for American Baseball Player", *ASU Sports & Entertainment Law Journal*, Vol. 3, No. 3, (2014), pp. 148 & 149 & 150.

۴. معامله غرری، معامله‌ای است که همراه با خطر بوده و متعاملین در زمان انجام آن توان تشخیص سودمند یا زیانبار بودن معامله را ندارند. طالب احمدی، حبیب، «تأثیر غرر در معاملات»، نشریه علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز، شماره ۳۳، (۱۳۸۰)، ص ۴۴.

برای مطالعه تفصیلی در خصوص غرر و کاربرد آن در حوزه حقوق قراردادها ر.ک به:

انصاری‌پور، محمدعلی؛ ولدبیگی، فرزاد؛ حسینعلی‌زاده، مهدی، «غرر و کاربرد آن در قراردادها»، فصلنامه مطالعات حقوق خصوصی، سال چهارم و پنجم شماره ۱، (۱۳۹۴)، صفحات ۲۱-۴۰.

که وضع مشابه مورد فوق‌الذکر است. با اندکی دقت می‌توان استدلال نمود که نظریه محدودیت معامله‌ای، یکی از مصادیق متحول‌شده نظم عمومی (حتی در حوزه ورزش) می‌باشد که مانع از اجرای مواردی مثل شرط فوق‌الذکر می‌شود؛ چرا که دلیل بطلان چنین محدودیتی را حداقل در صورت غیرمعقول بودن، مداخله در آزادی عمل (اختیار تصمیم‌گیری) فردی می‌دانند و تلاش شخصی را که در جهت اثبات خلاف منافع عموم بودن چنین شرطی اقدام می‌کند، (در صورت اثبات این منافع) از مباحث مرتبط با نظم عمومی تلقی می‌کنند،^۱ اما در فرض مالکیت شخص ثالث، چون محدودیت واقعی به صورت غیرمتعارف و خارج از حد اعتدال برای بازیکن ایجاد نمی‌شود و شخص ثالث نیز ممنوع از هرگونه مداخله بعد از مرحله انعقاد قرارداد است و ضمن اینکه بازیکن را از انتخاب باشگاه‌های دیگر منع نمی‌کند، ضمن پذیرش نظریه محدودیت معامله‌ای در حوزه مکانیزم مالکیت شخص ثالث، برای این مکانیزم و ذی‌نفع آن که این مکانیزم را به‌عنوان یک شغل که پایگاه محل درآمد وی از محل حقوق اقتصادی مشروع فعالیت ورزشی بازیکن است و مخالف اصول بنیادی مثل اصل ۲۸ قانون اساسی^۲ نیست، انتخاب کرده است، می‌توان قائل بر وجود اثر حقوقی گردید. ضمن اینکه بند ۴ از ماده ۴۴ قانون «اجرای سیاست‌های کلی اصل چهارم و چهارم (۴۴) قانون اساسی» ملزم کردن طرف معامله به عقد قرارداد با اشخاص ثالث را مورد پذیرش قرار داده است و لیکن تنها در صورتی که نتیجه آن اخلال در رقابت باشد آن را ممنوع نموده است. همچنانکه در این ماده مقرر شده است: «هرگونه تبانی از طریق قرارداد، توافق و یا تفاهم (اعم از کتبی، الکترونیکی، شفاهی و یا عملی) بین اشخاص که یک یا چند اثر زیر را به دنبال داشته باشد به نحوی که نتیجه آن بتواند اخلال در رقابت باشد ممنوع است:

۱. مشخص کردن قیمت‌های خرید یا فروش کالا یا خدمت و نحوه تعیین آن در بازار به طور مستقیم یا غیرمستقیم؛
۲. محدود کردن یا تحت کنترل در آوردن مقدار تولید، خرید یا فروش کالا یا خدمت در بازار

1 . Beloff, Michael, Kerr, Tim, Demetriou, Marie, Sports Law, (Hart Publishing, 1999), p. 53.

۱. اصل ۲۸ قانون اساسی مقرر می‌دارد: «هر کس حق دارد شغلی را که بدان مایل است و مخالف اسلام و مصالح عمومی و حقوق دیگران نیست برگزیند...»

۳. تحمیل شرایط تبعیض آمیز در معاملات همسان به طرف‌های تجارت؛
۴. ملزم کردن طرف معامله به عقد قرارداد با اشخاص ثالث یا تحمیل کردن شروط قرارداد به آنها؛
۵. موکول کردن انعقاد قرارداد به قبول تعهدات تکمیلی توسط طرف‌های دیگر که بنا بر عرف تجاری با موضوع قرارداد ارتباطی ندارد؛
۶. تقسیم یا تسهیم بازار کالا یا خدمت بین دو یا چند شخص؛
۷. محدود کردن دسترسی اشخاص خارج از قرارداد، توافق یا تفاهم به بازار.

۴. تهدید بزرگ مکانیزم مالکیت شخص ثالث برای بازار فوتبال

اگرچه بازار نقل و انتقالات بازیکنان، تا حدودی شبیه به بازار دادوستد کالا است، لیکن بازیکن بر خلاف کالا نمی‌تواند موضوع دادوستد اجباری قرار گیرد، به نحوی که باشگاه متبوع او بدون رضایت وی، باشگاه بعدی محل حضورش را تعیین نماید، مگر اینکه خود بازیکن بخواهد از باشگاه متبوع جدا شده و به باشگاه دیگر بپیوندد؛ همچنانکه «فرانچسکو توتی» بازیکن مشهور باشگاه رم ایتالیا هیچ‌وقت از این تیم جدا نشده و حتی پیشنهاد باشگاه‌های دیگر را در خصوص پیوستن به آنها رد کرده است.^۱ در وضعیت فعلی به سبب تحولات عدیده‌ای که فوتبال به خود دیده از جمله تمایل باشگاه‌ها به جذب بازیکنان حرفه‌ای و بااستعداد، سبب شده است که تمایل در حوزه فوتبال به تأمین مالی و سرمایه‌گذاری استعدادهای فزونی یابد. گاهی تمام یا درصدی (معمولاً بین ۱۰ تا ۲۰ درصد) از حق فعالیت ورزشی بازیکن به شخص ثالثی در قالب سهم، منتقل و شخص ثالث نیز ذی‌نفع در دریافت این درصد، هنگام نقل و انتقال بازیکن در آینده گردد؛ در این صورت این سؤال مطرح می‌شود که مالکیت شخص ثالث برای بازار نقل و انتقالات بازیکنان فوتبال، مزیت محسوب می‌شود یا خطر؟ این مقوله از این حیث که سبب توسعه تجارت در عرصه فوتبال شده و آثار مالی مساعدی از جمله رشد بازار تجارت در عرصه نقل و انتقالات و وحدت بخشی به بازار و از همه مهم‌تر، کاهش فشار مالی باشگاه‌ها از طریق تزریق نقدینگی به باشگاه را به ارمغان آورده است، مزیت محسوب می‌شود، اما خطرات مستمری در مالکیت شخص ثالث مستتر است از جمله: الف) وجود علقه و نفع تفکیک‌ناپذیر مالی بین ثالث و بازیکن حتی بعد از

1. Baur, Dirk G.; Lehmann, Sibylle. "Does the Mobility of Football Players Influence the Success of the National Team", *IHS Discussion Paper*, No.217, (2007), p. 21.

انتقال وی که از آن می‌توان به «تأثیر»^۱ تعبیر نمود،^۲ این امر سبب می‌شود که «سلامت رقابت‌ها و مسابقات ورزشی»^۳ که از اصول مهم و اخلاقی فیفاست^۴ به خطر افتد؛ زیرا شخص ثالث با کنترل و نفوذ و تأثیری که بر بازیکن به صورت بالقوه دارد می‌تواند بر نتیجه مسابقه تأثیر بگذارد (در ماده ۲۵ کد اخلاقی فیفا (۲۰۱۲ میلادی)، به صراحت آمده است که هیچ شخصی حق محروم کردن بازیکنی را از شرکت در بازی ندارد؛ لذا مسئله سلامت ورزش که تحت عنوان «تمامیت (درستی و سلامت) مسابقات و رقابت‌ها» مطرح شده است سبب می‌شود بر ورزشکاران تکلیف شود که نه تنها در محیط پاک ورزشی رقابت نمایند، بلکه در این رقابت‌ها نیز از پاداش‌ها و دریافت‌های یکسان برخوردار شوند.^۴ (ب) خطر دیگر، ترویج و توسعه شرط‌بندی در خارج از زمین مسابقه است؛ چراکه شرط‌بندی، تهدیدی جدی علیه تمامیت ورزش بشمار می‌آید؛^۵ (ج) خطر مستتر دیگر در مالکیت شخص ثالث، این است که گاهی ممکن است شخص ثالث خود را اخلاقاً در مقابل بازیکن متعهد نداند و اعمال وی، منجر به استثمار بازیکن گردد؛^۶ (د) خطر مهم دیگر، عدم شفافیت تراکنش‌های مالی شخص ثالث در قبال نقل و انتقال بازیکنان است که حتی در مواردی ممکن است منجر به پول‌شویی و فرار مالیاتی گردد. اشخاصی که ثروتمند هستند با جذب چنین بازیکنانی خواهند توانست برخلاف اخلاق و عدالت، مقررات مربوط به فیرپلی مالی^۶ را که در بطن خود اخلاق و

1. Influence

2. Andrews, Richard, "Third Party Ownership– Risk or Reward?", *Sports Law Bulletin*, number 10 (Special Report on Third Party Ownership) of EPFL, (2012), p. 33.

3. Integrity of Matches and Competition

4. Crrr,,, Laa; cc mmnne, kkk e; ggg,, uuurr;; pppors Ineeeryyy eee ds pppors Ehlss (And Sports Philosophers And Sports Ethicists Too)", *Sport, Ethics and Philosophy*, Vol. 9, No. 1, (2015), p. 2.

5. Boniface, Pascal; Lacarriere, Sarah; Verschuuren, Pim; Tuailon, Alexandre; Forrest, David; Icard, Jean-Michel; Meyer, Jean-Pierre; Wang, Xuehong; *Sports betting and corruption: how to preserve the integrity of sport*, IRIS, University of Salford, Cabinet Praxes-Avocats, CCLS Université de Pékin, Sportaccord, (2012), pp. 82& 5.

۶. فیرپلی مالی (Financial Fair Play) اصطلاحی است که از مقرراتی که اتحادیه فوتبال اروپا با عنوان مقررات حاکم بر فیرپلی مالی و صادرکننده جواز باشگاه‌های عضو اتحادیه به تصویب رسانده، اخذ شده است. از اهداف فیرپلی مالی می‌توان به افزایش توانایی مالی و اقتصادی باشگاه‌ها و اعتبار آنها؛ همچنین به حمایت از طلبکاران باشگاه‌ها، بازیکنان و مهم‌تر از همه تکیه و خرید باشگاه بر اساس درآمدهای اختصاصی خود اشاره کرد (ماده ۲ مقررات فیرپلی مالی مصوب یوفا).

عدالت را به همراه دارد^۱، زیرا با بگذارند. (ها عدم محدودیت اشخاص ثالث در دسترسی به بازار نقل و انتقال بازیکنان مستعد، نیز تهدیدی جدی تلقی می‌شود؛ در طولانی مدت باشگاه حتی با ده برابر پولی که در مکانیزم مالکیت شخص ثالث عایدش شده است، نخواهد توانست همان بازیکن را به خدمت بگیرد و در نتیجه روزبه‌روز تضعیف خواهد شد. البته جزم‌اندیشی در پاسخ‌دهی به این سؤال چندان هم موجه نیست و باید به دنبال تقلیل خطرات آن بود؛ چرا که غیرممکن است به صورتی جزمی اظهارنظر نمود که لزوماً مالکیت شخص ثالث موجب صدمه به تجارت فوتبال خواهد شد یا بالعکس، سبب افزایش کارایی تجارت فوتبال خواهد گردید. پیشنهاد می‌شود برای رفع مشکل، برداشته‌ها و طرز تلقی از مالکیت شخص ثالث اصلاح گردد و به این سمت سوق یابد که این مکانیزم سبب شود که بازار نقل و انتقال بازیکنان جوان و مستعد افزایش یافته و در نتیجه فوتبال از بُعد تجاری پیشرفت قابل توجهی داشته باشند. البته در این خصوص، باید «سلامت مالی»^۲ از حیث صحت، قابلیت اطمینان، انصاف، مسئولیت و اخلاق در ساختارها، روابط و معاملات مدنظر قرار گیرد.^۳ همچنین باید جلوی سوءاستفاده‌هایی احتمالی اشخاص ثالث از بازیکنان نوجوان گرفته شود و این طرز تفکر که مالکیت شخص ثالث صرفاً تجارت انسان جهت تحصیل منافع اقتصادی و ثروت است، اصلاح گردد. درست است که مالکیت شخص ثالث که متعلقش انسان‌ها (بازیکنان) هستند، داخل در «حقوق قراردادها» است نه حقوق اموال و حقوق قراردادها نیز متفاوت از حقوق اموال می‌باشد؛ چرا که متعلق حقوق قراردادها می‌تواند شخص باشد ولی متعلق حقوق اموال، نمی‌تواند شخص باشد،^۴ لیکن تجارت ناشی از مالکیت شخص ثالث، نباید تجارت انسان باشد؛ بلکه باید در قالب خدمت ورزشی ارائه گردد، در غیراین صورت به سبب نقض ارزش‌های انسانی، تجارت استثماری و برده‌گونه سالب حریت (اختیار تصمیم‌گیری) موضوع ماده ۹۶۰ قانون مدنی از بازیکن توسط شخص ثالث، به‌عنوان نقض حق بر شخصیت

1. Loland, Sigmund. *Fair Play in Sport: A Moral Norm System*, (London:Routledge, 2002), p.12.

2. Financial Integrity

3. Andrews, Matthew; rrr rrrrrrr, rrrrr r fff f ttt hh: oooblassssss nlllll Ingggyyy Weaknesses, and How to Strengthen Them", HKS Faculty Research Working Paper Series and CID(Center for International Development at Harvard University), (2016), p. 5.

4 . Cooter, Robert; Ulen, Thomas. *Law and Economics*, (Addison-Wesley, 2010), p. 73.

قابل تعقیب خواهد بود و همان طور که حقوق دانان نیز گفته‌اند، نقض حق بر شخصیت نیز موجب تحقق مسئولیت مدنی است.^۱

۵. نحوه عملکرد «اراده» شخص ثالث در مکانیزم مالکیت شخص ثالث

در خصوص عملکرد اراده شخص ثالث در مکانیزم مالکیت شخص ثالث باید تأکید شود که مقررات فیفا دخالت شخص ثالث در مرحله اجرای قرارداد را بر نمی‌تابد و نحوه عملکرد اراده را با مانع جدی روبه‌رو می‌نماید. در واقع در تفسیری که در خصوص مقررات فیفا (ماده ۱۸) به‌دست داده شد، فیفا در ماده ۱۸ اشخاص ثالث را از دخالت در تصمیمات اجرایی و خط‌مشی باشگاه‌ها منع کرده است و لذا عملکرد اراده دارای دایره وسیعی نیست. وجود اصول و قواعدی همچون رقابت سالم ورزشی و اصل بازی جوانمردانه از جمله موانعی هستند که عملکرد اراده ثالث را در تصمیم‌گیری‌های باشگاه و بازیکن در مسابقه یا خارج از مسابقه خنثی می‌سازند.

طبق رویه قضایی دیوان داوری ورزش در خصوص دعاوی دارای خصیصه تجاری^۲ که آرای دارای خصیصه تجاری این مرجع مانند سایر آرای داوری بین‌المللی مطابق قواعد حقوق بین‌الملل خصوصی و به‌ویژه کنوانسیون شناسایی و اجرای احکام داوری خارجی تنظیم شده در نیویورک ۱۹۵۸ میلادی^۳ می‌تواند اجرا گردد،^۴ حقوق اقتصادی بازیکنان

۱. بادینی، حسن، «مسئولیت مدنی ناشی از نقض حقوق معنوی مربوط به شخصیت و حقوق بشر»، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، شماره ۱، (۱۳۹۱)، صص ۹۷-۱۰۰.

۱. دیوان داوری ورزش که (CAS) The Court of Arbitration for Sport نامیده می‌شود یک نهاد بین‌المللی در زمینه ورزش است که محل تشکیل این دیوان، در «لوزان» کشور سوئیس قرار دارد و در مقام رسیدگی به دعاوی به تحقق انصاف و عدالت و فضای رسیدگی سالم و عاری از هرگونه فساد ورزشی در زمینه ورزش از طریق اعمال کنترل سالم و قانونی و همچنین نظارت بر قوانین گوناگون ورزشی و قواعد اخلاقی مانند آیین‌نامه‌های اخلاقی فیفا کمک شایانی می‌نماید.

۲. در نظام حقوقی ایران، مطابق بند ۱ ماده واحده قانون الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون شناسایی و اجرای احکام داوری خارجی تنظیم شده در نیویورک به تاریخ ۱۰ ژوئن ۱۹۵۸ میلادی (۱۳۳۷.۴.۳ هجری شمسی)، این کنوانسیون صرفاً در آرای صادره‌ای که «تجاری» محسوب می‌شود اعمال می‌گردد.

4. Reilly, Louise. "Introduction to the Court of Arbitration for Sport (CAS) & the Role of National Courts in International Sports Disputes, An Symposium", *Journal of Dispute Resolution*, (2012), p.76 - Blackshaw, Ian. "The Court of Arbitration for

می‌تواند وصف معامله‌ای و تجاری به خود بگیرند ولی «حقوق فدراسیونی»^۱ از قبیل تصمیم‌گیری در خصوص بازی در مسابقه یا شرکت در مسابقه نمی‌توانند وصف تجاری به خود گرفته و به شخص ثالث منتقل گردند و عملکرد اراده شخص ثالث در خصوص حقوق فدراسیونی، از کار افتاده و در نتیجه، این حقوق به سبب قائم به باشگاه و بازیکن بودن، متعلق به بازیکن و باشگاه هستند. این نکته مهم به صراحت در دعوای باشگاه مایورکای اسپانیا^۲ پدیدار است؛ همچنانکه عده‌ای این نوع تفکیک بین حقوق اقتصادی و حقوق فدراسیونی را یادآور دو وجهی بودن حقوق مالکیت فکری در حقوق فرانسه از جهت جدایی حقوق اقتصادی از یک طرف و حقوق معنوی یا فکری از طرف دیگر می‌دانند.^۳

در نهایت می‌توان استدلال نمود که قواعد نظم عمومی (ماده ۱۸ آیین‌نامه نقل و انتقالات فیفا) بر تراضی و تبانی طرفین حاکم است؛ لذا در صورت مغایرت قواعد حاکم بر نظم عمومی با توافق طرفین، این قواعد موجب بطلان رابطه حقوقی ایجاد شده می‌گردد. لازم به توضیح است که مقررات فیفا در قالب قانون ورزشی به‌عنوان یکی از قواعد لازم‌الرعایه در قراردادهای منعقد در حوزه ورزش محسوب می‌شوند که زاده عرف و تصمیم سازمان‌های بین‌المللی هستند؛ به عبارت دیگر، به قول استاد دکتر کاتوزیان: «عامل دیگری که بر پیچیدگی حقوق ورزشی می‌افزاید، خروج آن قلمرو دولت و حکومت عرف است».^۴ ایشان به گونه‌ای خواسته است که مقررات جهانی ورزشی را به‌مثابه عرف‌های ورزشی در داخل کشورها جاری و ساری بداند و برای همین گفته‌اند که: «قانون ورزشی را عرف و تصمیم سازمان‌های بین‌المللی وضع می‌کند و دولت‌ها ناچارند تا از حاکمیت ملی در این زمینه به تسامح بگذرند و عرف بیگانه را همچون قانون ملی اجرا کنند»^۵ به این ترتیب اگر چنین عملکرد اراده‌ای را از سوی شخص ثالث نافذ بدانیم، موضوع «برده‌فروشی» عملی

Sport: An Intrinsic Part of the Entertainment Industry", *The Entertainment and Sports Law Journal*, 2 (2), (2003), p.81.

1. Federative Rights

2. RCD Mallorca v. Club Atletico Lanus

3. Melero, Victoriano; Soiron, Romain, "The dilemma of third-ownership of football players", *Sports Law Bulletin*, Vol. 10, (2012), p. 41.

۴. تی چامپیون جونیور، والتر. *مبانی حقوقی ورزش‌ها: مسئولیت مدنی در ورزش*، ترجمه حسین آقائی‌نیا، (تهران: نشر

دادگستر، ۱۳۸۸)، ص ۱۲.

۵. همان، ص ۱۲.

می‌شود؛ این در حالی است که قراردادهای مربوط به برده‌فروشی به دلیل مخالفت با نظم عمومی با ضمانت اجرای بطلان مواجه هستند.^۱ با استدلال‌های فوق، می‌توان از تعارض بین مقررات فیفا به‌عنوان سبب محدودکننده معامله از یک طرف و عملکرد اراده طرفین از طرف دیگر، جلوگیری نمود تا از افراط‌گرایی در ایجاد محدودیت بر اراده اشخاص پرهیز شود.

۶. ارتباط تنگاتنگ مالکیت شخص ثالث با حقوق اقتصادی

فوتبال در عین حال که رشته‌ای ورزشی است، به دلیل مبادله بازیکنان در سراسر فوتبال جهان تجارت بین‌المللی نیز تلقی می‌شود.^۲ امروزه فوتبال حرفه‌ای در زمینه تجاری با تغییرات فراوانی روبه‌رو شده که یکی از این تغییرات، «مالکیت شخص ثالث» است که داخل در قلمرو حقوق اقتصادی بازیکنان قرار می‌گیرد. حقوق اقتصادی مفهومی است که مقررات آن به قیمت‌گذاری، بازاریابی و رقابت مربوط است.^۳ در این مفهوم، مالکیت شخص ثالث یک نوع مکانیزم سرمایه‌گذاری بوده و به‌عنوان ابزاری به کار می‌برد که از طریق آن، شخص ثالث حقوق اقتصادی یک بازیکن را از یک باشگاه در ازای پرداخت مبلغی مشخص تحصیل می‌کند. انگیزه‌های اقتصادی و تحصیل سود در آینده که اغلب بر اساس سرمایه‌گذاری بر روی بازیکنان جوان و مستعد صورت می‌گیرد سبب می‌شود شخص ثالث حقوق مالی و حقوق اقتصادی بازیکن را تحصیل نماید؛ لذا به دلیل ارتباط زیاد این پدیده با اقتصاد، نوعی نگرش اقتصادی در این مکانیزم سرمایه‌گذاری مفروض است که از نگرش اقتصادی مذکور می‌توان برای توصیف ارتباط تنگاتنگ بین حقوق مالی و حقوق اقتصادی از یک طرف و مکانیزم مالکیت شخص ثالث از طرف دیگر استفاده نمود.

۱. کاتوزیان، ناصر. *حقوق مدنی: قواعد عمومی قراردادها*، جلد اول، (تهران: شرکت سهامی انتشار با همکاری بهمن برنا، ۱۳۸۳)، ص ۱۷۸؛ در حقیقت برده‌فروشی خلاف کرامت انسانی است و موارد خلاف کرامت انسانی از مصادیق مسلم خلاف نظم عمومی است: شهبازی، حشمت‌اله؛ تقی‌زاده، ابراهیم؛ شهبازی‌نیا، مرتضی، «حقوق بشر در حقوق خصوصی»، *فصلنامه پژوهش حقوق خصوصی*، سال پنجم، شماره نوزدهم، (۱۳۹۶)، ص ۵۵.

2. Dolles & Söderman, Op.Cit, pp. 5-7.

۳. باقری، محمود. «اقتصاد مبتنی بر بازار و کاستی‌های حقوق خصوصی»، *نشریه دو فصلنامه حقوق و سیاست*، شماره ۱۹، (۱۳۸۵)، ص ۶۷.

۷. تدابیر اتخاذی در زمینه مالکیت شخص ثالث در عرصه فوتبال حرفه‌ای مکانیزم مالکیت شخص ثالث به مثابه یک ابزار مالی، برحسب اینکه باشگاه صادرکننده استعدادهاى جوان باشد یا واردکننده آنان و نیز بر حسب روشی که شخص ثالث در به کارگیری این مکانیزم در قبال استعدادهاى جوان برای ورود آنان به باشگاه‌ها به کار می‌برد، از اهمیت خاصی برخوردار است. اهمیت این مکانیزم تا بدانجاست که نقض قوانین مربوط به آن با مجازات‌های سنگین مدنی روبه‌رو می‌شود که مثال بارز و نمود عینی آن را می‌توان در اخراج «سم آلاریدیس»^۱ سرمربی تیم ملی فوتبال انگلیس، به سبب ارائه راه کارهایی در راستای نقض قوانین مربوط به منع مالکیت شخص ثالث مشاهده نمود. البته رویه کشورهای نیز در خصوص صحت یا بطلان این پدیده حقوقی یکسان نیست. در کشورهایی مثل ایتالیا نیز به‌ویژه در ماده ۱۰۲ مقررات مربوط به فوتبال ایتالیا موسوم به «مقررات درون‌سازمانی فدراسیون فوتبال ایتالیا»^۲ مالکیت شخص ثالث مجاز شمرده شده، برخلاف انگلیس که مقررات ویژه‌ای را در جهت ممنوعیت این پدیده، وضع کرده است.^۳ همچنین در حالی که در برزیل به موجب «قانون پله»^۴، مالکیت شخص ثالث ممنوع شده، در آرژانتین چنین امری،

1. Sam Allardyce

2. NOIF: Norme Organizzative Interne Figg

3. Lombardi, Rosa; Simone, Manfredi; Nappo, Fabio, Op.Cit, p. 39.

4. Pelé law

در دنیای فوتبال بازیکنان معروف زیادی وجود داشته‌اند و هنوز نیز وجود دارند که یکی از این اشخاص معروف، بازیکنی به نام «پله» اهل کشور برزیل است. پله که در دولت برزیل به وزارت ورزش منصوب شد از سال ۱۹۹۸ میلادی در راستای توسعه صنعت فوتبال اقدام به اجرای قانونی تحت عنوان قانون شماره ۹۶۱۵ کرد که در زمان وی تصویب و به قانون پله معروف شد. این قانون با هدف ارتقاء صنعت ورزش کشور به اجرا در آمد، سبب شد انحصار فدراسیون فوتبال در حوزه سازماندهی لیگ‌های داخلی تعدیل شود و در نتیجه، باشگاه‌ها توانستند در سازماندهی لیگ‌های خود نقش بیشتری داشته باشند. این قانون برای بازیکنان و باشگاه‌ها محدودیت‌هایی نیز ایجاد نموده که در نتیجه این قانون به میزانی بر محدودیت قراردادهای ورزشی بین بازیکن و باشگاه می‌افزاید که علی‌رغم پذیرش مقوله مالکیت شخص ثالث در فوتبال خیلی از کشورها، در برزیل به موجب آن، مالکیت شخص ثالث ممنوع می‌شود. برای مطالعه تفصیلی تاریخچه و نحوه شکل‌گیری این قانون و تأثیر آن در حقوق ورزشی برزیل ر.ک به:

Marinho Mezzadri, Fernando, Moraes e Silva, Marcelo, Mello Figuêroa, Katiuscia & Augusto Starepravo, Fernando, "Sport Policies in Brazil", *International Journal of Sport Policy and Politics*, Vol. 7, No. 4, (2015), pp. 655 & 666.

مجاز شمرده شده می‌شود.^۱ پدیده مالکیت شخص ثالث را در صورتی می‌توان ممنوع و مخالف با قاعده آمره ممنوعیت دخالت ثالث در انعقاد قرارداد فوتبال دانست که اجازه بدهد سرمایه‌گذار در تصمیم‌گیری‌های اجرایی و خط‌مشی باشگاه و بازیکن تأثیرگذار باشد.^۲ همه باشگاه‌ها از اعمال نظریات و تحمیل خواسته خود برای حضور یا عدم حضور بازیکنان باشگاه‌های دیگر در زمین بازی ممنوع هستند (حتی اگر بازیکن مورد نظر به صورت قرضی به باشگاه دیگر منتقل شده باشد) و نتیجه طبیعی این قاعده آن است که هرگونه توافق خصوصی میان باشگاه‌ها و هر نوع تلاش برای اعمال خواسته یک باشگاه در مورد گزینش بازیکنان باشگاه دیگر در رقابت‌ها به دلیل ایجاد تزلزل در ثبات بازی و نفی بازی جوانمردانه در تعارض با «سلامت و صحت مسابقات و رقابت‌ها»^۳ بوده و باطل است؛ چرا که ثبات بازی‌ها و بازی جوانمردانه از ارکان اصلی تعریف سلامت مسابقات ورزشی محسوب می‌شوند؛^۴ چنانکه در ماده ۲۵ کد اخلاقی فیفا (۲۰۱۲ میلادی) ذیل عنوان صحت مسابقات و رقابت‌ها، به صراحت آمده است که هیچ شخصی حق محروم کردن (به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم) بازیکنی را از شرکت در بازی ندارد.

اگرچه این مکانیزم سبب می‌شود که در کوتاه‌مدت باشگاه‌های کوچک با توانایی مالی کمتر، با جذب بازیکنان دارای استعدادهای برتر تا حدی با باشگاه‌های قوی و حرفه‌ای رقابت

۱. Gomes, Fernando Veiga. "Third Party Player Ownership, Again!", *Sports Law 1 Bulletin*, number 10 (Special Report on Third Party Ownership) of EPFL, (2012), p. 63.

۲. گفتنی است که در نظام حقوق اتحادیه اروپا سخن از این است که آیا مالکیت شخص ثالث قابلیت داخل شدن در مبحث نظم عمومی مربوط به اتحادیه اروپا را دارد و اینکه آیا می‌توان این پدیده را ممنوع کرد تا به رقابت متناسب ورزشی دست یافت؟

The Economic and Legal Aspects of Transfers of Players, (Centre for the Law and Economics of Sport (CDES), KEA European Affairs, 2013), p. 92.

البته چند کشور در خصوص ممنوعیت یا مجاز بودن این پدیده در اروپا تعیین تکلیف نموده‌اند که اشاره گردید.
۳. اصل مذکور در ماده ۲۵ کد اخلاقی ۲۰۱۲ فیفا، با عنوان «Integrity of Matches and Competition» اشاره شده است، لیکن در کد اخلاقی و رفتاری (فوتبال) کانادا (CODE OF ETHICS AND CODE OF CONDUCT) به این صورت تعریف شده است: «تمامیت (ورزشی) به این معنی است که از اعضا انتظار می‌رود که در روابط (ورزشی) خود با دیگران؛ صادق، صاف و شرافتمند باشند».

4. Hover, P.; Dijk, B.; Breedveld, K., & Eekeren, F. van, "Integrity & sport events: position paper", Mulier Institute, (2016), p.16.

نمایند، لیکن در درازمدت این مشکل را به همراه دارد که باشگاه با اختصاص حقوق اقتصادی بازیکن به شخص ثالث، از ارزش فراوان مالی بازیکن که در طول بازی برای آن باشگاه به دست آمده است، چشم‌پوشی می‌نماید؛ این در حالی است که این باشگاه بوده که در توسعه و پیشرفت استعدادهای جوان و در نتیجه تبدیل شدن به بازیکن باارزش نقش داشته است نه شخص ثالث. پس بایسته است به سبب جذابیت فریبنده افزودن نقدینگی کوتاه‌مدت برای باشگاه از جانب اشخاص ثالث در راستای کاهش خطرپذیری مالی باشگاه از یک طرف و در مقابل، در معرض خطر قرارداد دادن دارایی باشگاه در آتی از طرف دیگر، این مکانیزم در راستای جلوگیری از ایجاد مشکلات احتمالی در آتی با احتیاط بیشتری در بازار فوتبال پیاده شود. پس باید یک رویکرد اجرایی توسط سازمان‌های نظارتی متولی فوتبال اندیشیده شود تا از طریق قوانین و مقررات، به بررسی سوابق شخص ثالث و در نتیجه شفافیت بخشی به بازار با در نظر گرفتن معاملاتی که در آن اشخاص ثالث درگیر هستند، پرداخته شود. نتیجه طبیعی چنین امری آن است که آزادی نامحدود اشخاص ثالث در دسترسی به بازار نقل و انتقالات کنترل و تبدیل به آزادی محدود می‌شود؛ در حقیقت سرمایه‌گذاری بر روی بازیکنان فوتبال با استعداد در بازار نقل و انتقالات، امری است اجتناب‌ناپذیر که اشخاص ثالث را در توزیع ثروت در بازار فوتبال تشویق می‌کند. به این ترتیب با شفاف‌سازی مالی و هویتی اشخاص ثالث و قید نمودن تعهدات مناسب و مساعد به حال بازیکنان مستعد و جوان و نیز ثبت سرمایه‌گذاری اشخاص ثالث در نهادهایی اجرایی به‌ویژه فیفا می‌توان از اعمال نفوذ توسط اشخاص ثالث نسبت به باشگاه و بالاخص بازیکنان جلوگیری و استواری قراردادها و سلامت رقابت‌های ورزشی را تقویت نمود و شرایطی را فراهم کرد که اشخاص ثالث نیز در پرتو اصول اخلاقی به سرمایه‌ای سالم دست یابند. دلیل تأکید بیشتر بر اصول اخلاقی این است که افول اخلاق در حوزه ورزش به‌ویژه فوتبال بیشتر از سایر حوزه‌ها است تاجایی که عده‌ای ورزش را مانعی برای رشد اخلاقی و تثبیت آن می‌دانند و معتقدند «اگر بخواهید اخلاق خود را درست نمایید، باید سراغ حوزه دیگری جز ورزش رفت.»^۱

1. Ogilvie, Bruce; Tutko, Thomas. "Sport: If you want to build character try something else", *Psychology Today*, (1971), p. 60 & 63.

۸. معرفی مکانیزم مالکیت شخص ثالث به عنوان مدل تجاری

در دنیای فوتبال حرفه‌ای مدرن، تجاری‌سازی برای باشگاه‌ها امری ضروری است؛ چراکه آنها نیاز به منبع درآمد برای باقی ماندن در عرصه رقابت تجاری دارند.^۱ با استقبال بیشتر باشگاه‌ها از مکانیزم مالکیت شخص ثالث و در نتیجه با سرمایه‌گذاری از طریق این مکانیزم بر روی بازیکنان برجسته و مطرح و استعدادهای حرفه‌ای جوان می‌توان به عنوان یک تجارت سودآور بدان نگاه کرد و مدل تجاری ارائه داد. مدل تجاری نمایانگر ساختار و محتوای حقوق معامله‌ای است که شکل دهنده هرگونه ارزش مالی و اقتصادی از محل بهره‌گیری از فرصت‌های کسب و کار و تجارت باشد.^۲ مدل تجاری در ورزش به ویژه برای باشگاه‌های فوتبال از سوی برخی حقوق‌دانان به نحو تلویحی ذکر شده است،^۳ البته بدون اینکه توضیح لازم در این خصوص داده شود. در این بین عده‌ای علی‌رغم قائل شدن بر اینکه مالکیت شخص ثالث یک نوع مدل تأمین مالی و سرمایه‌گذاری است، آن را از حیث محدودیت‌های بازار فوتبال، طبق ماده ۱۸ مقررات نقل و انتقال فیفا ممنوع می‌دانند،^۴ گرچه با تفسیری که در این پژوهش ارائه شد، این ممنوعیت تعدیل گردید. از طریق مکانیزم مالکیت شخص ثالث می‌توان نخست؛ اقدام به تبدیل حقوق مربوط به مالکیت فکری بازیکنان به سرمایه و نقدینگی نمود؛ زیرا این حقوق دارای ارزش اقتصادی و قابل دادستد بوده و حق مالی محسوب می‌شوند،^۵ دوم؛ در بازار نقل و انتقالات بازیکنان، تعداد بازیکنان را افزایش داد، سوم؛ دارایی باشگاه‌ها را برای بی‌نیازی مالی و پرداخت بدهی آنان افزایش داد و چهارم؛ این امکان را فراهم نمود که سرمایه‌گذاران نیز در بازار فوتبال حقوق مالی مربوط به بازیکنان را تحصیل نمایند. ارتباط چهار مورد ذکر شده به اندازه‌ای است که بتوان از آنها، مدل تجاری در فوتبال ارائه داد و در نتیجه مکانیزم مالکیت شخص ثالث را به عنوان یک مدل تجاری فوتبال معرفی

1. Krabbenbos, Tim; *Commercialization Strategies in football*, Thesis, (University Of Twente, 2013), p.15.

2. Amit, R.; Zott, C., "Value creation in e-business", *Strategic Management Journal*, Vol. 22, No. 6/7, (2001), p. 511.

3. Woratschek, Herbert; Schafmeister, Guido. "New Business Models for the Value Analysis of Sport Organisations", University of Bayreuth, (2005), p. 23.

4. Menke, Johan-Michel. "Football player transfers: a manager's perspective", *International Sports law Conference on the occasion of UEFA EURO*, (2012), p. 4.

۵. کاتوزیان، ناصر. دوره مقدماتی حقوق مدنی: اموال و مالکیت، (تهران: نشر میزان، ۱۳۸۴)، ص ۶۰- صفایی،

سیدحسین. دوره مقدماتی حقوق مدنی: اشخاص و اموال، (تهران: میزان، ۱۳۸۳)، ص ۲۲۷.

نمود که قابلیت اجرایی داشته و سازمان‌های فوتبال از جمله فیفا و فدراسیون‌های ملی بدون هیچ دغدغه‌ای بتوانند عملی نمودن آن را تجویز نمایند.



نتیجه‌گیری

«مالکیت شخص ثالث» یکی از موضوعات چالش‌برانگیز اقتصاد فوتبال محسوب می‌شود که ویژگی بارز آن حضور «اشخاص ثالث» است که در نقش سرمایه‌گذار یا عامل تأمین مالی عمل می‌کنند. از طریق این مکانیزم، شخص ثالث می‌تواند با سرمایه‌گذاری در قالب تأمین مالی بازیکن، تمام یا بخشی از ارزش (حقوق اقتصادی) ناشی از نقل و انتقال بازیکن در آینده را به دست آورد.

به سبب پیشرفت چشم‌گیر تجارت در فوتبال، نظریه «محدودیت‌های معامله‌ای» مطرح در حقوق کامن‌لو و به پیروی از آن، نظریه محدودیت معامله‌ای در ورزش، در مکانیزم مالکیت شخص ثالث نیز منعکس شده است. طبق نظریات مذکور، اشخاص در اعمال حقوق معاملاتی خود، حق انتخاب و آزادی را دارند؛ در عین حال اگر محدودیت حقوق معامله‌ای، «متعارف» باشد، دارای اثر حقوقی است و سبب تضییق حقوق معامله‌ای می‌گردد. در مکانیزم مذکور، از آنجایی که محدودیت واقعی به صورت غیرمتعارف و خارج از حد اعتدال برای بازیکن ایجاد نمی‌شود، ضمن پذیرش این نظریه در حوزه مالکیت شخص ثالث، می‌توان قائل بر وجود اثر حقوقی برای این مکانیزم شد. مالکیت شخص ثالث نه مخالف اصل ۲۸ قانون اساسی و نه ناقض ماده ۱۸ آیین‌نامه نقل و انتقالات فیفا است. مقرر فیفا، صرفاً اشخاص ثالث را در مرحله اجرای قرارداد از داشتن هرگونه نفوذ در تصمیم‌گیری‌های باشگاه ممنوع کرده است. از آنجایی که نمی‌توان به صورت قطعی اظهار نظر نمود که مالکیت شخص ثالث موجب صدمه به تجارت فوتبال خواهد شد یا بالعکس سبب افزایش کارایی تجارت فوتبال خواهد گردید، لذا شایسته است از طریق شناسایی نقاط قوت و ضعف این مکانیزم امکان

توسعه آن را در بازار فوتبال تحقق بخشید. این مکانیزم با وجود تأمین مالی بازیکنان و کاهش فشار مالی باشگاه‌ها، همواره از حیث صحت، قابلیت اطمینان، انصاف، مسئولیت و اخلاق در معاملات و احتمال نفی ارزش‌های انسانی و سوءاستفاده از آن در راستای استثمار بازیکنان در معرض خطر است. در این راستا مکانیزم مالکیت شخص ثالث باید به نحوی اعمال گردد تا در عین حال که تمام یا بخشی از ارزش (حقوق اقتصادی) ناشی از نقل و انتقال بازیکن در آینده به شخص ثالث تعلق می‌گیرد، موجبات اعمال نفوذ اشخاص ثالث نسبت به مجموعه باشگاه و بالاخص بازیکنان فراهم نشود و ضمن تضمین سلامت رقابت‌های ورزشی، از خطرات احتمالی ناشی از کنترل دارایی باشگاه‌ها توسط اشخاص ثالث نیز کاسته شود. در نتیجه این برداشت که مالکیت شخص ثالث صرفاً مبادله انسان جهت تحصیل ثروت است، با این طرز تفکر که تجارت مزبور تجارت انسان نبوده بلکه باید در قالب «خدمت ورزشی» ارائه گردد، اصلاح می‌شود. مکانیزم مالکیت شخص ثالث را می‌توان به عنوان مدل تجاری ارائه داد که در آن، بازیکنان، باشگاه‌ها، اشخاص ثالث سرمایه‌گذار و بالاخص فدراسیون‌های فوتبال از حیث تفکیک حقوق اقتصادی از حقوق فدراسیونی، همگی منتفع شوند. از این رهگذر می‌توان به تبدیل حقوق مربوط به مالکیت فکری بازیکنان به سرمایه و نقدینگی (تجاری‌سازی حقوق مالکیت فکری، اقدام کرده و با افزایش تعداد بازیکنان در بازار نقل و انتقالات و نیز دارایی باشگاه‌ها، سرمایه‌گذاران نیز حقوق مالی مربوط به بازیکنان را از طریق سرمایه‌گذاری سالم ورزشی تحصیل نمایند. در نتیجه این تدابیر، مکانیزم مالکیت شخص ثالث به عنوان یک مدل تجاری به فوتبال معرفی می‌شود.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

منابع

- انصاری پور، محمدعلی؛ ولدبیگی، فرزاد؛ حسینعلی‌زاده، مهدی، «غرر و کاربرد آن در قراردادها»، فصلنامه مطالعات حقوق خصوصی، سال چهل و پنجم شماره ۱، (۱۳۹۴)، صص ۴۰-۲۱.
- بادینی، حسن، «مبانی فلسفی نگرش اقتصادی به حقوق»، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، شماره ۶۲ (۱۳۸۲).
- بادینی، حسن، «مسئولیت مدنی ناشی از نقض حقوق معنوی مربوط به شخصیت و حقوق بشر»، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، شماره ۱، (۱۳۹۱).

بادینی، حسن، «شرط محدودیت کسب و کار در قرارداد کار»، پژوهشنامه حقوق اسلامی، شماره ۱، (۱۳۹۴).

باقری، محمود. «اقتصاد مبتنی بر بازار و کاستی‌های حقوق خصوصی»، نشریه دوفصلنامه حقوق و سیاست، شماره ۱۹، (۱۳۸۵).

تی چامپیون جونیور، والتر. مبانی حقوقی ورزش‌ها: مسئولیت مدنی در ورزش، ترجمه حسین آقائی‌نیا، (تهران: نشر دادگستر، ۱۳۸۸).

شهیدی، مهدی؛ باریکلو، علیرضا، «قرارداد عدم تجارت»، نشریه نامه مفید، شماره ۲۹، (۱۳۸۱).

صفایی، سیدحسین، حقوق مدنی: قواعد عمومی قراردادها، جلد ۲، (تهران: نشر میزان، ۱۳۸۶).

صفایی، سیدحسین. دوره مقدماتی حقوق مدنی: اشخاص و اموال، چاپ سوم، (تهران: میزان، ۱۳۸۳).
طالب احمدی، حبیب. «تأثیر غرر در معاملات»، نشریه علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز، شماره ۳۳، (۱۳۸۰).

علمی یزدی، حمیدرضا؛ شاه بابای، حمیدرضا، «محدودیت در آزادی‌های قراردادی به منظور مقابله با انحصار: مطالعه موردی حقوق ایران»، دانشنامه حقوق اقتصادی، دوره ۲۶، شماره ۱۵، (۱۳۹۸).
کاتوزیان، ناصر، «خطای ورزشی و مسئولیت ورزشی»، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، شماره ۴۳، (۱۳۷۸).

کاتوزیان، ناصر. حقوق مدنی: قواعد عمومی قراردادها، جلد اول، (تهران: شرکت سهامی انتشار با همکاری بهمن برنا، ۱۳۸۳).

کاتوزیان، ناصر. دوره مقدماتی حقوق مدنی: اموال و مالکیت، (تهران: نشر میزان، ۱۳۸۴).

مرادی چالستری، جواد؛ مرادی، محمدرضا؛ نوروزیان قهفرخی، سهیلا؛ جعفری، اکرم «بررسی موانع اقتصادی اثرگذار بر جذب سرمایه‌گذاری خارجی در صنعت فوتبال جمهوری اسلامی ایران»، نشریه مدیریت ورزشی، شماره ۱۷، (۱۳۹۲).

نورزاده، بهنام، بررسی تعهدات طرفین در قراردادهای بازیکنان فوتبال با باشگاه‌ها، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق خصوصی، (تهران، دانشگاه تهران: دانشکده حقوق و علوم سیاسی، ۱۳۹۱).

References

- Amit, R.; Zott, C., "Value creation in e-business", *Strategic Management Journal*, Vol. 22, No. 6/7, (2001).
- Arrittt, eeter. "Off ttt ::: aaaaaa'd's aaaaiii ll Integrity Weaknesses, and How to Strengthen Them", HKS Faculty Research Working Paper Series and CID (Center for International Development at Harvard University), (2016),

- Andrews, Richard, "Third Party Ownership– Risk or Reward?", *Sports Law Bulletin*, number 10 (Special Report on Third Party Ownership) of EPFL, (2012).
- Baur, Dirk G.; Lehmann, Sibylle. "Does the Mobility of Football Players Influence the Success of the National Team", *IHS Discussion Paper*, No.217, (2007).
- Beloff, Michael, Kerr, Tim, Demetriou, Marie, *Sports Law*, (Hart Publishing, 1999).
- Black, Henry Campbell M. A., *Black's Law Dictionary*,) U.S.A, West publishing Co., 1968).
- Blackshaw, Ian. "The Court of Arbitration for Sport: An International Forum for Settling Disputes Effectively 'Within the Family of Sport'", *The Entertainment and Sports Law Journal*, 2 (2), (2003), pp.61–83.
- Boniface, Pascal; Lacarriere, Sarah; Verschuuren, Pim; Tuailon, Alexandre; Forrest, David; Icard, Jean-Michel; Meyer, Jean-Pierre; Wang, Xuehong; Sports betting and corruption: how to preserve the integrity of sport, IRIS, University of Salford, Cabinet Praxes-Avocats, CCLS Université de Pékin, Sportaccord, (2012).
- Pfarrer, Charles P., "Contracts in Restraint of Trade", *4 Notre Dame L. Rev.* Vol. 244, (1929).
- Cooter, Robert; Ulen, Thomas. *Law and Economics*, (Addison-Wesley, 2010).
- De Sousa Martins, Daniel. *Hedonic Pricing in Professional Football: Is players' transfer value explained by sporting performance?*, Thesis, (Universidade do Porto, 2015).
- Dimitr,, Vssii l, hhhird aarty wwnrrsiii p of fttt lll l pleer'' eooooomic rihtt:: introduction of the global ban against third party ownership as from 1 May ,,,,,, *Global Sports Law and Taxation Reports*, No 3, (2016).
- Gomes, Fernando Veiga. "Third Party Player Ownership, Again!", *Sports Law Bulletin*, number 10 (Special Report on Third Party Ownership) of EPFL, (2012).
- Hill, .. yler, tttt rr tee B:: eee aaaanii ll ddddceeee of Itt rr ntt iaal Soccer After Third-rrr tO Owrri hhi,,, *Oregon Law Review* (University of Oregon), Vol. 94, No. 1, (2015).
- Harald, Dolles; Sten, Söderman, "Globalization of Sports: The Case of Professional Football and its International Management Challenge", *Deutsches Institut für Japanstudien*, (2005).
- Hover, P.; Dijk, B.; Breedveld, K., & Eekeren, F. van. *Integrity & sport events: position paper*, (Mulier Institute, 2016).

- Johnson, James, "Restraint of Trade Law in Sport", *Sports Law Journal*, Bond University, Australia, (2009).
- Kim, John, "An Examination of the KBO Reserve Clause and its Legal Implications for American Baseball Player", *ASU Sports & Entertainment Law Journal*, Vol. 3, No. 3, (2014).
- Krabbenbos, Tim; *Commercialization Strategies in football*, Thesis, (University Of Twente, 2013).
- Loland, Sigmund. *Fair Play in Sport: A Moral Norm System*, (London: Routledge, 2002).
- aaaaa aii, Raaa; ii meee, aa ffrddi; Na,,,, ,,, i,, "rrrr d Prtty Owrrr sii p in tee Filld ff oofssii onll tttt Ill l: A Critiaal rrr eeectiv", *Business Systems Review*, Vol. 3, (2014).
- Lucey, Mary Catherine, *The interface between competition law and the restraint of trade doctrine for professionals: understanding the evolution of problems and proposing solutions for courts in England and Wales*, thesis, (The London School of Economics and Political Science (LSE), (2012).
- Martins, Roberto Carlos Branco. *The introduction of the social dialogue in the European professional football sector: impact on football governance, legal certainty and industrial relations*, Thesis, (UK, University/Publisher: Edge Hill University, 2014).
- Melero, Victoriano; Soiron, Romain, "The dilemma of third-ownership of football players", *Sports Law Bulletin*, Vol. 10, (2012).
- Menke, Johan-Michel. "Football player transfers: a manager's perspective", *International Sports law Conference on the occasion of UEFA EURO* , (2012).
- Ogilvie, Bruce; Tutko, Thomas. "Sport: If you want to build character try something else", *Psychology Today*, (1971).
- Pe´rez, Juan de Dios Crespo.; Whyte, Adam, "A review of third party ownership – hh rre oo we oo frmmrrr ??", oooorts aa w Bll leti,,, uumbrr 10 (Special Report on Third Party Ownership) of EPFL, (2012).
- Purdon, Jane. "Third Party Investment", *Sports Law Bulletin*, number 10 (Special Report on Third Party Ownership of EP, (2012), p.38.
- Reilly, Louise. "Introduction to the Court of Arbitration for Sport (CAS) & the Role of National Courts in International Sports Disputes, An Symposium", *Journal of Dispute Resolution*, (2012).
- The Economic and Legal Aspects of Transfers of Players, Centre for the Law and Economics of Sport (CDES), KEA European Affairs, JANUARY 2013

Williams, Burgess, "The Fate of Third Party Ownership of Professional Footballers' Rights: Is a Complete Prohibition Necessary", *Texas Review of Entertainment & Sports Law*, Vol. 10, (2008).

Woratschek, Herbert: Schafmeister, Guido. "New Business Models for the Value Analysis of Sport Organisations", University of Bayreuth, (2005).

Cases

Case of Newport Association Football Club Ltd and others v Football Association of Wales Ltd (High Court of Justice, Chancery Division, United Kingdom, 12.4.95).

Petrofina (Great Britain) Ltd v Martin [1996].

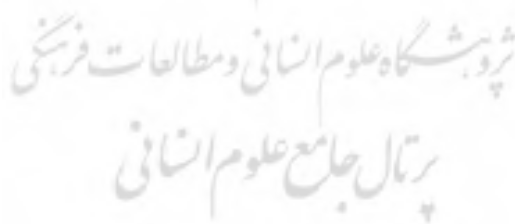
Herbert Morris Ltd v Saxelby [1916].

Union Royale Belge des Sociétés de Football Association ASBL v Jean-Marc Bosman (1995) C-415/93.

Eastham v Newcastle United Football Club.

Metropolitan Exhibition Co. v. Ward, 9 N.Y.S. 779, N.Y. Supreme Court (1890).

RCD Mallorca v. Club Atletico Lanus.



استناد به این مقاله: نورزاده، بهنام، نهرینی، فریدون، ایزانلو، محسن، بادینی، حسن، خیبری، محمد. (۱۴۰۰). مالکیت شخص ثالث در ورزش فوتبال. پژوهش حقوق خصوصی، ۱۰(۳۶)، ۱۴۹-۱۸۰. doi: 10.22054/jplr.2022.59679.2547



Private Law Research is licensed under a Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License.